

پستی خاطرات ایرانی‌ها

تکه‌هایی از آثار نامرادی‌ها و تلخ‌کامی‌ها
و درد و دل‌های تاریخی مردم ایران

گردآورنده: محمد بابکنیا

به یاد دخترانی که یا به سبب فقر فروخته شدند یا از
گرسنگی مردند یا از بیم نابکاران از فراز بلندی‌ها به پایین
افکنده شدند یا در پستوها و دریانه‌ها و سرداب‌ها زنده به
گور شدند یا.....

«اگر غم را چو آتش دود بودی

جهان تاریک بودی جاودانه»

(شهید بلخی)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فهرست مطالب

صفحه	عنوان
-----	-----
۱.....	در آن سوی این مرز و بوم
۳.....	ریشه‌های اصلی
۴.....	دین زرتشت
۹.....	داور از آب گل آلودماهی گرفت
۱۰.....	یتیمی هزاران کودک باعث عروسی شاهزاده شد
۱۲.....	جلال و شکوه پادشاه موجب فقر و محنت مردم شد
۱۳.....	فرزند خوری
۱۴.....	اسباب بزرگی
۱۶.....	آثار کله‌های پوسیده
۱۸.....	«پردیای» واقعی از نظر مردم
۱۹.....	داریوش در جنگ «ماراتن» ایرانی‌ها را بی اعتبار کرد
۲۰.....	خشایارشا باید خدا باشد!
۲۱.....	خودکشی و خانه سوزی
۲۲.....	غنیمت‌ها طعمه آتش شدند
۲۴.....	قصابی وحشت‌انگیز
۲۵.....	دخترهای ایرانی آلت دست مقدونی‌های رذل شدند
۲۶.....	داستان‌های دست اسکندر
۲۷.....	ولیعده عاشق زن پدرش شد
۲۸.....	غارت معابد
۲۹.....	هشتاد هزار سپاهی سیصد هزار خدمتکار داشتند
۳۱.....	پیام «مهر»
۳۲.....	کابوس بردگی
۳۴.....	حرمسراهای ثابت و سیار

۳۵ عروسی و عزا
۳۶ پدرکش‌های پدردوست
۳۷ کشتار همسرها
۳۸ مژده زاهد
۴۱ ماجرای کفشگر
۴۲ توسعه طلبی و فزونخواهی
۴۳ کیش مانی
۴۶ زن‌بها
۴۷ فلاکت و بدنای قشرضعیف جامعه
۴۹ یزدگرداول را کشتند و اسب وحشی رام‌ت‌هم کردند
۵۰ شدت گرسنگی مردم، ترحم شاه را برانگیخت
۵۱ شاه رعیت نواز را کور و خفه کردند
۵۲ مرام مزدک
۵۵ قتل عام مزدکیان
۵۷ صداقت رعایا
۵۸ دبیری را بادوات کشتند
۶۰ رمز سروری و خوشنامی انوشیروان
۶۱ بوذرجمهر در زندان
۶۳ هرمز چهارم را کور و خفه کردند
۶۴ تغیر باورها
۶۵ سی‌وشش هزار زندانی اعدام شدند
۶۷ پدرکشی و ازدواج بازن پدرها
۶۸ اهداء زنان ایرانی به دربارچین
۶۹ زنهای تاجدار
۷۰ مطالبه مالیات در هنگام فرار
۷۲ تجاوز فرماندهان ایرانی به ناموس هموطنانشان
۷۳ دیوارهای گوشتی

- ۷۴ مرگ در زیر پای فیل
- ۷۵ مرگ در زیر بار طلا
- ۷۶ عرب‌ها هم به دام افتادند
- ۷۷ کلاه شرعی
- ۷۸ عمر جگر مرا خورد
- ۸۰ تحتی از اجساد کشتگان
- ۸۱ آسیایی که با خون اهالی گرگان به گردش درآمد
- ۸۲ دیوار رعایا از همه دیوارها کوتاهتر بود
- ۸۳ عجیب! این اصفهان چیست؟!
- ۸۴ سر به جای مالیات
- ۸۶ خراسانیها به امید دانه به دام افتادند
- ۸۷ بدتر از بد
- ۸۸ اعدام «به آفرید» و کشتار پیروان او
- ۹۰ اولین هدیه عباسیان به ایرانیها
- ۹۱ ابو مسلم نمرده است!
- ۹۳ ابو مسلم پیغمبر است!
- ۹۴ ظهور منجی موعود زرتشتیان!
- ۹۵ مدعی پیغمبری در خمره اسید رفت!
- ۹۶ مال به جورمی گرفت و به جود می داد
- ۹۷ شکایت هم به جایی نمی رسید
- ۹۸ بوزینه زبیده
- ۹۹ هدایای خلیفه پسند
- ۱۰۱ زبیده فقط در ظرف طلا غذا می خورد!
- ۱۰۳ اهالی سیستان از پرداخت خراج معاف شدند
- ۱۰۵ گربه‌های وحشی و زنبورها را به جان مردم می انداختند
- ۱۰۶ کشتار خرم دینان
- ۱۰۷ خیانت افشین به بابک

- ۱۱۰ افشین هم به دار آویخته شد.
- ۱۱۱ درین ساعت سه دختر را دختری بستدم
- ۱۱۲ چهار هزار همسر.
- ۱۱۳ قباht باد قبیحه را
- ۱۱۴ مرگ باذلت
- ۱۱۶ نوکران خلیفه هم به ناموس مردم تجاوز می کردند.
- ۱۱۷ فقرزدایی یعقوب لیث
- ۱۱۸ یعقوب لیث سرهنگ بی شرفی را دو نیم کرد.
- ۱۲۰ پرندهگان را هم زنده زنده آتش زدند.
- ۱۲۲ بت شکن!
- ۱۲۴ من کافر و بی دین نیستم، ثروتمندم
- ۱۲۵ احیاء سنت کتاب سوزی!
- ۱۲۶ رعیت حق ندارد از خودش دفاع کند.
- ۱۲۷ درباره این هدایا از خراسانی ها باید سؤال کرد.
- ۱۲۸ خوردن کودکان و اجساد مردگان
- ۱۳۱ رعایا فقط یک مشت عیال گرسنه و برهنه داشتند
- ۱۳۲ مالیات یک ولایت خرج لباس یک نفر می شد.
- ۱۳۳ اهالی نیشابور خودشان هم به جان یکدیگر افتادند.
- ۱۳۴ عده ای از گرسنگی فرزندان خود را خوردند
- ۱۳۵ فقرزدایی حسن صباح
- ۱۳۷ خواجه نظام الملک از ستمگرهای دیگر بهتر بوده است.
- ۱۳۸ به انتقام قتل یک نفر، عده زیادی به قتل رسیدند.
- ۱۴۰ ماجرای جانگداز حسن مازندارنی
- ۱۴۲ اسیری، شتربازی و عاشقی پیشوای اسماعیلی
- ۱۴۳ کشتاری نظیر
- ۱۴۴ جاده صاف کن های چنگیز
- ۱۴۵ پیشگویی چنگیز مغول.

- ۱۴۷ سلطان بی کفن
- ۱۴۸ زندانیان را در رود جیحون غرق کردند
- ۱۴۹ زنی ندانسته کاریاد مغول‌ها داد
- ۱۵۰ اندازه‌گیری و نامگذاری مغولی
- ۱۵۱ «تولوی» همه راکشت
- ۱۵۳ سر همه نیشابوری‌ها را بریدند
- ۱۵۴ استخوان‌های دخترها
- ۱۵۵ یک نفر مغولی تمام اهالی یک قریه راکشت
- ۱۵۶ مغول‌ها با بانگ اذان همه رابه دام انداختند
- ۱۵۷ رشادت‌های سلطان جلال الدین خوارزمشاه!
- ۱۶۱ پیکار شیخ نجم الدین کبری با مغولان
- ۱۶۳ باج‌گیرهای مغول کفن مرده را هم می‌بردند
- ۱۶۴ عروسی مغول‌ها و عذاب خراسانی‌ها
- ۱۶۵ لقب مغولی و لقب مردمی
- ۱۶۶ حرص مغولی
- ۱۶۹ وبا، قحطی و غارت
- ۱۷۰ سرکوبی شورشیان
- ۱۷۱ اعدام شیخ خلیفه
- ۱۷۲ سر به دار می‌دهیم اما تن به ذلت نمی‌دهیم
- ۱۷۳ به مقبره شیخ خلیفه و شیخ حسن اهانت شد
- ۱۷۶ تیمور لنگ سه هزار نفر از سر به داران را زنده به گور کرد
- ۱۷۷ از شکم‌های دریده شده فقط قدری سبزی خارج می‌شد
- ۱۷۸ سر تراشیده زن را به جای مرد تحویل می‌دادند
- ۱۷۹ سپاهیان تیمور سر هم‌زمان خودشان را هم بریدند
- ۱۷۹ شجاعت و ایمان مردم بی‌نام و نشان آمل
- ۱۸۰ احول دلخراش زیبا رویان
- ۱۸۱ تیمور لنگ به سبب مرگ نزدیکان خودش بسیار اندوهگین می‌شد

- ۱۸۲ اطفال یتیم در زیر سم اسبهای تیمور و همراهانش
- ۱۸۳ تیمور لنگ به انتقام قتل پسرش شهری رابه خاک و خون کشید.
- ۱۸۴ اهالی تبریز، هم از خودی ستم دیدند و هم از بیگانه.
- ۱۸۵ تارتارها سر مردم رابه دم اسب خود می‌بستند.
- ۱۸۶ سید عمادالدین را زنده پوست کنند.
- ۱۸۷ آرمگاه تیمورخون آشام زیارتگاه شد.
- ۱۸۸ پیروان سید فضل ا... حلال خور را کشتند و آتش زدند.
- ۱۸۹ زن‌ها با لباس مردانه به رزمندگان پیوستند.
- ۱۸۹ اهالی یزد یکدیگر را می‌خوردند.
- ۱۹۰ زن امیر را خوردند.
- ۱۹۲ پیشانی شیعیان رابا آهن گداخته داغ کردند.
- ۱۹۴ خمس زیارویان رابه شاه طهماسب می‌دادند.
- ۱۹۵ مالیات اماکن فساد لغو شد.
- ۱۹۶ پهلوان‌های تبریز را سر بریدند.
- ۱۹۷ کفش بهای مادرشاه عباس.
- ۱۹۸ شکم زن‌های آبستن را دریدند و جنین‌ها را بر سرنیزه کردند.
- ۱۹۹ مظلوم کشی.
- ۲۰۱ کاش به جای یک نفر خارجی شش نفر ایرانی را کشته بودم.
- ۲۰۳ ظالم نوازی.
- ۲۰۴ شکم پسر مظلومی را پاره کردند.
- ۲۰۵ دختری را زنده زنده آتش زدند.
- ۲۰۷ دوباره مالیات اماکن فساد لغو شد.
- ۲۰۸ مادران و خواهران ما را به ابتذال می‌کشیدند.
- ۲۰۹ اوضاع فلاکت بار دخترها در زمان سلطان حسین.
- ۲۱۱ هیچ کس حق خروج از منزل را نداشت.
- ۲۱۲ بسیاری از مردم فرزندان خود را کباب کردند و خوردند.
- ۲۱۳ تسلیم مذلت بار سلطان حسن و مقاومت دلیرانه مردم.

- ۲۱۵ انتخابات نادرشاهی
- ۲۱۷ عدالت نادرشاهی
- ۲۱۸ بخشودگی مالیاتی نادرشاهی
- ۲۱۹ اهالی فارس فرزندان خود را به خارجی‌ها فروختند
- ۲۲۰ چندین هزار نفر در آتش افکنده شدند
- ۲۲۱ سرهای سالخورده‌گان بر فراز کله منار
- ۲۲۲ نادر زن‌ها و اطفال مخالفان را به سربازان بخشید
- ۲۲۳ خرابات نادرشاهی
- ۲۲۵ چهارده من چشم از شورشیان در آورده شد
- ۲۲۶ نادر هم کشته شد
- ۲۲۷ شاه بی آزار
- ۲۲۸ مردم کریم خان زند را دوست داشتند
- ۲۲۹ کریم خان از شادی مردم شاد می‌شد
- ۲۳۱ ماریشختند فرنگی را به ریش خود نمی‌خریم
- ۲۳۲ زکی خان زند هفتاد نفر مازندرانی را گردن زد
- ۲۳۳ باج‌گیری از اصفهانی‌های گرسنه
- ۲۳۴ مادری طفل گرسنه خود را از بام به کوچه افکند
- ۲۳۵ تخم چشم را با فشار انگشت بیرون می‌آوردند
- ۲۳۶ دخترها زنده به گور شدند
- ۲۳۷ سیاه‌روزی اسیران تفلیس در تهران
- ۲۳۸ آغا محمدخان افراد عادی را قابل دیدن نمی‌دانست
- ۲۳۹ پدرها را در مقابل چشم فرزندان سر بریدند
- ۲۴۱ زن‌ها را از بالای برج به قعر چاه سرنگون می‌کردند
- ۲۴۳ به پیرمردها هم تجاوز می‌کردند
- ۲۴۴ مالیات را از فقرا می‌گرفتند و حیف و میل می‌کردند
- ۲۴۵ سه تیر و یک نشانه
- ۲۴۶ سرگذشت جانگداز یک صنعتگر اصفهانی

- ۲۴۷ خون یغما
- ۲۴۹ دوتا خانم بردارید بپرید ارغونیه
- ۲۵۰ زندانی و شکنجه و گدایی
- ۲۵۱ شکار زیبارویان
- ۲۵۲ اگر پیر مرد خواهش کرده بود اعدام نمی شد
- ۲۵۳ اصلاح طلبان رابه چاه انداختند
- ۲۵۴ عدالت ناصرالدین شاهی
- ۲۵۵ غیرت و مروت میرزا رضای کرمانی
- ۲۵۷ هر دختری به دوازده من گندم فروخته شد
- ۲۵۸ مشروطه ناکام
- ۲۶۳ از پزشک مخصوص شاه هم رشوه می گرفتند
- ۲۶۴ پیر مرد را با گلاب جوشان کشت
- ۲۶۵ داشتن فرزند زیبا هم مصیبت بوده است
- ۲۶۶ هر ایرانی را به یک قرآن فروخت
- ۲۶۷ دختری با دیدن شیر برنج بدنش به لرزه افتاد
- ۲۷۱ عفو و رأفت رضاخانی
- ۲۷۳ چهل و چهار هزار سند منگوله دار
- ۲۷۴ دختر بچه های سه ساله هم قالی می یافتند
- ۲۷۶ بیشتر زن های روستایی در طویله ها می زاییدند
- ۲۷۸ کوس رسوایی ما را در همه جا کوبیدند